

پژوهشی بر چیستی و چرایی سنگ‌قبرهای انسان‌ریخت دوران اسلامی در پهنه‌ی جغرافیای سیاسی ایران

اسماعیل معروفی‌ا قدم^۱ و سعید ستارنژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

سنگ‌قبرها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین یادگارهای فرهنگی دوران اسلامی از منظر شکل و نقش‌مایه‌ها دارای تنوع فراوان هستند. این یافته‌های باارزش ضمن نمایش و بروز دقیق باورها و اعتقادات آیینی-دینی، می‌توانند منعکس‌کننده‌ی جملگی شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی جامعه‌ی متعلق بدان باشند. آن‌ها را در این راستا می‌توان یکی از مهم‌ترین داده‌های باستان‌شناختی برای علوم مختلف دانست. در میان انواع فرم‌های مختلف سنگ‌قبر اسلامی، گونه‌ی سنگ‌مزارات انسان‌ریخت، باتوجه به شکل خاص، توجهات را بیشتر به‌خود جلب می‌کند. مقاله پیش‌رو سنگ‌قبرهای گونه‌ی انسان‌ریخت را در گورستان‌های اسلامی ایران مورد مطالعه قرار داده است. هدف از این پژوهش گونه - ریشه‌شناسی و همچنین مطالعه‌ی اشکال این گروه از سنگ‌قبرها در برخی از گورستان‌های اسلامی ایران است. این مقاله به‌صورت تحلیلی-تاریخی و بر اساس پیمایش نگارندگان در گورستان‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد این گروه از سنگ‌قبرها به لحاظ شکل ظاهری به گروه‌های: انسان‌ریخت بدون جزئیات و انسان‌ریخت کامل تقسیم می‌شوند. روی این آثار نقوش و کتیبه کمتر مورد استفاده قرار گرفته و از نظر ریشه‌شناسی متعلق به گروه‌های قومی آسیای میانه بوده که در دوران اسلامی به‌خصوص سده‌ی میانی وارد جغرافیای ایران امروزی شده‌اند و بازنمایی از تأثیر باورهای شمنی - اسلامی در جغرافیای ایران امروزی است.

کلید واژه‌ها: سنگ‌قبر ایران، دوران اسلامی، گورستان، سنگ‌قبر انسان‌ریخت.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA و ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه‌ی APSA)

معروفی‌ا قدم، اسماعیل؛ ستارنژاد، سعید (پاییز ۱۴۰۴). «پژوهشی بر چیستی و چرایی سنگ‌قبرهای انسان‌ریخت دوران اسلامی در پهنه‌ی جغرافیای سیاسی ایران». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۳، پیاپی ۳۱، صص ۱۹-۴۶.

^۱. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ اداره آموزش و پرورش شهرستان بوکان.

ایمیل: Esmaeel.maroufi@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ اداره آموزش و پرورش شهرستان مراغه (نویسنده مسئول)

ایمیل: Saeidsattarnejad@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگرایی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

فرهنگ سنگ‌افراشت بخشی از سنت آیینی - اعتقادی انسان بوده که در مناطق مختلف جهان، در اشکال گوناگون ایجاد شده است. پیکره‌های انسان ریخت یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های سنگ‌افراشت محسوب می‌شود که روی برخی از گورها در مناطقی از مغولستان (Toshio, 2011.P. 21)، قرقیزستان (Hudiakov et al. 2015.P. 112)، ترکیه (Kurtişoğlu, 2018.P. 50)، قبرس (Peler, 2017.P. 190) اوکراین (Belli, 2016.P. 105-106)، ایران و سایر مناطق باقی‌مانده است. در ایران خلاء مطالعاتی مربوط به سنگ‌افراشت‌های دوران اسلامی بسیار مشهود بوده و عموماً تفسیرهای اشتباه پیرامون آن انجام شده است. به طوری که در مطالعات پیشین، سنگ‌قبرهای افراشته‌ای دوران اسلامی گورستان‌های اوناو و خالد نبی را نشانی از آلات جنسی مردانه و زنانه و نماد باروری قلمداد کرده‌اند (خانعلی، ۱۴۰۳: ۴۹؛ خانمحمدی، ۱۳۸۹: ۸۳). این در حالی است که سنگ‌افراشت‌های فوق، نه تنها نشان و نماد آلات انسانی نبوده بلکه نمادی از پیکره انسانی متأثر از دو باور اسلامی - شمعی است. از این منظر ضرورت پرداختن به چیستی و چرایی این گونه آثار در مطالعات علمی وجود دارد. سنگ‌قبرهای انسان‌ریخت، هرچند جزء سنگ‌قبور نوع افراشته محسوب می‌گردند؛ اما شکل ظاهری این سنگ‌مزارات و قرارگیری برجستگی فوقانی در قسمت بالای آن‌ها که همانند سر و گردن یک انسان خودنمایی می‌کند؛ موجب تقسیم‌بندی آنها در یک گروه جداگانه شده است. سنت استفاده از استل یا سنگ قبر با فرم و بدن انسانی به دوران پیش از تاریخ بازمی‌گردد. تندیس‌های انسان‌نما بیانگر تصویری از شخص متوفی بوده که در بین اقوام ترک زبان با نامهایی همچون «داش بابا» و «داش ننه» شناخته شده است (Arsalan, 2017: 1926). به نظر می‌رسد تندیس انسانی به دلیل نفی اسلام در زمینه صورتگری به ندرت تراشیده می‌شد؛ با این حال به صورت یک آرکی‌تایپ تا دوران اسلامی ادامه پیدا کرده است (Demiral, 2008: 4). برای راستی‌آزمایی چنین تفکر و فرضیه‌ای نیازمند مطالعات تطبیقی و تحلیلی است.

در جغرافیای سیاسی ایران امروزی، گورستان‌های بسیاری متعلق به قرون میانی و متأخر اسلامی باقی مانده که در آنها سنگ‌قبرهای بی‌شماری در انواع فرم، نقش‌مایه و تزئینات متنوع موجود است. این سنگ‌مزارها در باورهای جوامع انسانی جایگاه خاصی داشته و متأثر از جهان‌بینی انسان‌های هر منطقه است. این آثار مجموعه بسیار ارزشمندی برای مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ و هنر مناطق مختلف بوده و کلیاتی از موقعیت‌های اجتماعی، اعتقادات و باورهای مردم هر منطقه را در اختیار پژوهشگران امروزی قرار می‌دهند. از جمله گونه‌های سنگ‌قبور موجود در گورستان‌های دوران اسلامی، سنگ‌قبور افراشت انسان‌ریخت می‌باشد که شکل ظاهری آنها با هیاکل انسانی جالب توجه بوده و کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌اند. این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی همه‌جانبه این گروه از سنگ‌مزارات، بخشی از کاستی‌های موجود در این باب را برطرف

کرده و در گشودن افق‌های تازه برای دانشجویان و محققین در این حوزه موفق عمل نماید. در این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱. سنگ قبور گونه انسان‌ریخت دارای چه ویژگی‌هایی بوده و شامل چند نوع است؟ ۲. سنگ قبور گونه انسان‌ریخت در کدام گورستان‌ها یافت می‌گردد و بازه زمانی آن‌ها کدام است؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع «کاربردی» و روش آن «توصیفی-تحلیلی» است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تعداد ۸ گورستان در نواحی مختلف ایران است. تلاش شد تا اطلاعات ضروری پیرامون گورستان، پیشینه تاریخی - فرهنگی منطقه و سنگ‌قبرها به صورت دقیق مستندنگاری گردد. پس از آن اطلاعات جمع‌آوری شده به روش کتابخانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تلاش شد تا با شیوه توصیفی و تحلیلی به نتایج مورد نظر پیرامون انواع گونه‌ها، ریشه‌شناسی و بازه زمانی استفاده و رواج این گونه آثار دست یابید.

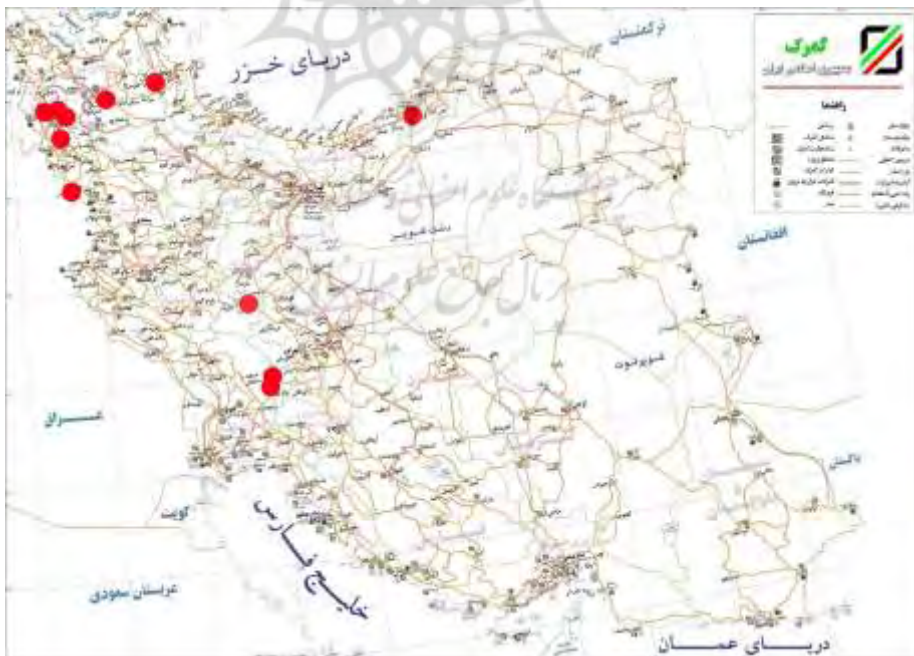
۳. پیشینه پژوهشی

در ارتباط با سنگ قبور گورستان‌های دوران اسلامی، مطالعات چندی انجام گرفته و نتایج برخی از آن تاکنون منتشر شده است (نک. به معرفی اقدم، ۱۳۹۹). با این حال پژوهش به طور اخص درباره گونه انسان‌ریخت کمتر انجام شده است. از جمله پژوهش‌های انجام شده درباره سنگ‌قبرهای انسان‌ریخت می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود. در شمال غرب ایران برای نخستین بار سنگ‌افراشت‌های گورستان اونار مشگین‌شهر در سال ۱۹۶۹ میلادی توسط هیات آلمانی به سرپرستی ولفرام کلایس مورد بازدید قرار گرفت (Kleiss, 1969.P. 84). دیوید استروناخ گورستان خالدنبی و انواع فرم‌های سنگ قبور آن را مطالعه و بررسی کرده (Stronach, 1981)؛ مورتسن نقوش سنگ مزارات پشتکوه را تحلیل نموده است (Mortensen, 1996). برخی پژوهشگران و نویسندگان ایرانی نیز به صورت گذرا و به صورت توصیف به این آثار اشاره کرده‌اند. نگاهی به نتایج پژوهش‌های پیشین مشخص می‌کند که پژوهشگران عموماً درک صحیح از ریشه‌شناختی و بازه زمانی استفاده و رواج این آثار نداشته‌اند. همین عامل سبب شده در برخی موارد این سنگ‌قبرها را نشانی از آلات جنسی انسانی و نمادی از باروری قلمداد کنند (خانعلی، ۱۴۰۳: ۴۹). در این پژوهش‌ها به توصیف سنگ‌افراشت‌ها پرداخته شده و تحلیل مناسب درباره ریشه‌شناختی و علت قرارگیری این آثار در کنار گورها انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر برای نخستین بار به مطالعه و تحلیل سنگ‌افراشت‌های اسلامی در ۸ گورستان پرداخته است. نتایج پژوهش حاضر در شناخت بخشی از فرهنگ سنگ‌افراشت‌ها دوران اسلامی در ایران کمک شایانی خواهد کرد و به‌عنوان

اساس مطالعات بعدی در این حوزه قرار خواهد گرفت و به عنوان مهم‌ترین مشخصه تفاوت و نوآوری پژوهش پیش‌رو محسوب می‌شود.

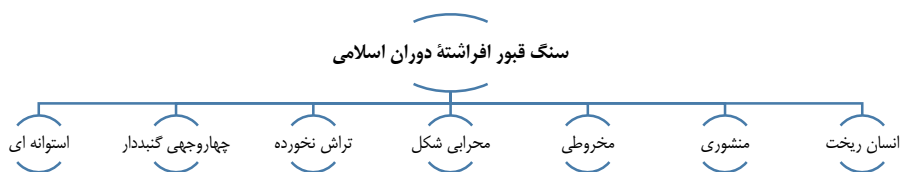
۴. سنگ‌قبر گونه انسان ریخت

در گورستان‌های دوران اسلامی در ایران، سنگ‌قبر متنوعی موجود است که از نظر شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارد. این تفاوت‌ها به احتمال برگرفته از باورها و اعتقادات قومی، تنوعات فرهنگی، جایگاه‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی فرد متوفی، جنسیت و سایر عوامل که امروزه برای ما نامشخص است. از جمله سنگ‌مزارات گورستان‌های اسلامی در ایران، سنگ‌قبر نوع افراشت می‌باشد که در یک تقسیم‌بندی کلی به انواع: گونه انسان ریخت، منشوری، مخروطی، محرابی شکل، تراش نخورده، چهاروجهی گنبددار و استوانه‌ای تقسیم می‌شوند و هر کدام نیز شامل چندین زیر گروه بوده که در جزئیات با یکدیگر متفاوت هستند. سنگ‌قبر انسان ریخت از جمله گونه سنگ‌قبرهای افراشته‌ای محسوب می‌شود. این نام به سنگ‌قبری اطلاق می‌گردد که از نظر شکل ظاهری به سان هیاکل آدمی و یا حداقل بخشی از هیاکل آدمی خودنمایی می‌کند. معمولاً این گونه سنگ‌قبر در گورستان‌های دوران اسلامی با توجه به جهان‌بینی دین مبین اسلام و ممنوعیت به تصویر کشیدن تصاویر انسانی، به صورت نمادین و بدون جزئیات دست و پا و صورت، توسط حجاران تراش داده شده و بر روی گور مردگان خود قرار داده‌اند (تصویر ۱؛ جدول ۱).



تصویر ۱: موقعیت گورستان‌های دارای سنگ‌قبر گونه انسان ریخت در ایران (نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول ۱: تقسیم‌بندی سنگ‌قبور نوع افراشته در ایران بر اساس شکل ظاهری (نگارندگان، ۱۴۰۳)



آغاز استفاده از سنگ‌قبور نوع افراشته در گورستان‌های دوران اسلامی در ایران چندان مشخص نیست. به طوری که سنگ‌قبرهای افراشته تراش‌نخورده می‌تواند در دوره‌های اولیه اسلام مورد استفاده قرار گرفته باشد. به طوری که سنگ‌قبرهای افراشته گورستان بقیع به عنوان شاهدی برای این مدعاست. با این حال آنچه در پژوهش حاضر ملاک است گونه افراشته انسان‌ریخت بوده که دارای تراش و تزیینات متنوع است. از این نظر تفاوت اساسی با سایر گونه‌ها دارد. به نظر می‌رسد پیشینه رواج این گونه آثار براساس شواهد باستان‌شناسی و تاریخ هنر از سده میانی اسلام تا قاجاریه را در بر می‌گیرد.

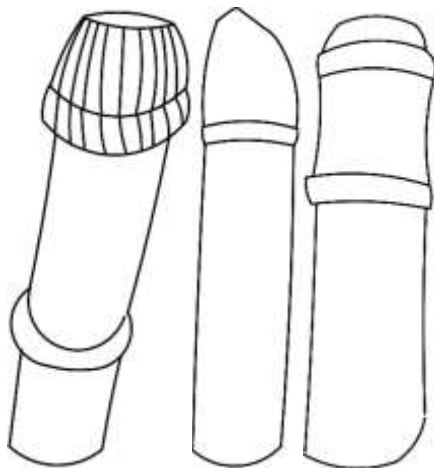
۵. گورستان‌های حاوی سنگ‌قبور گونه انسان‌ریخت

۵-۱. گورستان خالد نبی گرگان

این گورستان که به سبب قرارگیری بقعه خالدنبی، به گورستان خالدنبی مشهور است، در شهرستان کلالة و در شمال شرقی استان گلستان واقع است. این مکان تاریخی برای نخستین بار توسط «جیمز فارسر» در کتاب «یک مسافرت زمستانی از کان‌استپتول به تهران» معرفی شده و بعدها نیز دیوید استروناخ به عنوان دومین پژوهشگر خارجی، گزارشی از گورستان خالدنبی در مقاله‌ای تحت عنوان «سنگ‌های ایستاده در ناحیه اترک» در سال ۱۹۸۱ ارائه داد. سنگ‌قبور گورستان خالدنبی به سه گروه اصلی: افراشته یا افراشته انسان‌ریخت، سنگ‌قبور افراشته شاخ‌قوچی یا دو لب و سنگ‌قبرهای افراشته ساده و چهارگوش تقسیم می‌شوند. نوع سنگ‌قبور افراشته انسان‌ریخت در گورستان خالد نبی تنوع زیادی در ضخامت و ارتفاع دارند. این گروه استوانه‌ای شکل بوده که دارای بند یا نعلبکی متعدد بین ۱ تا ۴ عدد؛ به همراه کلاهک مخروطی شکل بر قسمت فوقانی هستند. بنا به گفته دیوید استروناخ ارتفاع این گروه از سنگ‌قبور خالدنبی بین ۱ تا ۵ متر متغیر می‌باشد (Stronach & Royce, 1981: 148)؛ اما ارتفاع قابل رویت آنها با توجه به نمونه‌های باقی مانده بین ۳۰ سانتیمتر تا ۴ متر به نظر می‌رسد. این سنگ‌قبرها گاهی در قسمت

کلاhek خود دارای شیارهای متوالی، گاهی نیز بدون شیار بوده و همچنین بندهایی که سنگ قبر را به چندین بخش تقسیم نموده، از نظر تعداد متغیر است. به طور کلی این گروه از سنگ افراشته‌ها تماماً دارای کلاhek بوده؛ اما همگی آنها دارای نوار پهنی که کلاhek یا گوی را از بدنه جدا می‌کند؛ نیستند. مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد که این آثار بیش از همه قابل قیاس با سنگ قبور عصر ایلخانی گورستان‌های شادباش مشایخ و پینه‌شلوار تبریز می‌باشند. همچنین از نمونه‌های مشابه بیرون از مرزها نیز می‌توان به سنگ قبور گورستان اتومان، ایلبدی و انجمن ترکیه اشاره کرد که همگی متعلق به عصر سلجوقی بوده و تا دوره عثمانیان در این گورستان‌ها از این نوع سنگ قبر بهره برده شده است. گورستان خالد نبی یکی از مهم‌ترین گورستان‌ها از نظر قبور سنگی نوع میل افراشته بوده که دارای سنگ قبور متنوع و بیشماری از این نوع می‌باشد. عموم سنگ مزارهای گورستان خالد نبی بدون کتیبه و نوشتار هستند و تمامی آن‌ها به صورتی کاملاً ماهرانه و به شکل سنگ مزارهای استوانه‌ای بلند، مستقیم و عمودی تراش داده شده‌اند. معطوفی حضور سنگ قبور افراشته در گورستان خالد نبی و دیگر مناطق شمال شرق ایران و همچنین در منطقه آذربایجان را متعلق به اوغوزهای ترکمان و ترک که هم‌نژاد هستند می‌داند. وی معتقد است که اوغوزها بر بالای سر قبور عرفا و بزرگان خود میل سنگی افراشته نصب می‌کردند و آن‌را ریشه در اعتقادات شمنی می‌داند (معطوفی، ۱۳۸۷: ۴۷۵-۴۸۶). پژوهش‌های دکتر نوکنده و دکتر ستوده نیز این آثار را متعلق به قرون ۶ تا ۸ هجری تاریخ گذاری نموده است (زاهد، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹؛ تصویر ۲).



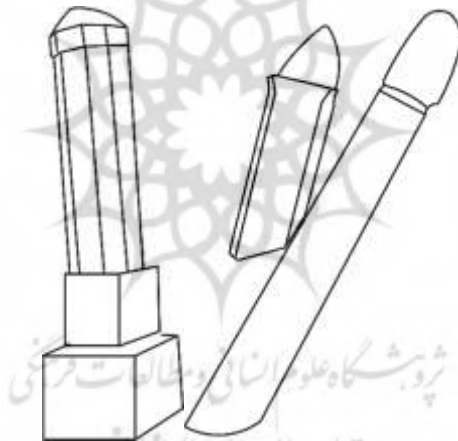


تصویر ۲: سنگ قبور افراشته گونه انسان‌ریخت در گورستان خالد نبی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵-۲. گورستان شادباد مشایخ (پینه سلوار)

گورستان شادباد در روستایی به همین نام، در شش کیلومتری شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است. جنس سنگ‌های موجود در این قبرستان از جنس سنگ کبود و یا سنگ خارای سیاه است که در بدنه برخی از تخته سنگ‌ها و یا پای میل‌های افراشته، مشخصات متوفی با خط ثلث حکاکی شده است. با توجه به نوشته‌های موجود در کتیبه‌های برخی از سنگ قبرها مشخص شده است که در این گورستان عده‌ای از عرفا و فرمان‌روایان فاصله بین قرن‌های ۶ تا ۹ هجری در تبریز و همچنین برخی از مشایخ نامدار این خطه در این گورستان دفن شده‌اند (خاماچی، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۴). بخش عمده سنگ قبرهای این گورستان متعلق به عصر ایلخانی می‌باشد که در آن از انواع و اشکال فرم‌های سنگ مزارات اسلامی بهره برده شده. در واقع نام و آوازه این گورستان نیز بیشتر به خاطر تنوع فرمی سنگ قبور آن، از جمله اشکال مختلف سنگ قبور نوع افراشته می‌باشد. در یک نگاه کلی سنگ قبور گورستان شادباد در گروه‌های زیر قابل تقسیم می‌باشد: سنگ قبور نوع افراشته، سنگ قبور صندوقی، سنگ قبور ساده و سنگ قبور محرابی شکل. سنگ قبور نوع افراشته انسان‌ریخت گورستان شادباد از ارتفاع‌های متفاوتی برخوردار هستند. بدنه این گروه از سنگ قبرها به صورت میلی استوانه‌ای، چهارگوش و یا هشت‌ضلعی تراش داده شده و بر روی آنها نیز کلاهکی به صورت مخروطی و رک با تزیینات شبه مقرنسی با زاویا شکسته تراش قرار گرفته است. کلاهک برخی از سنگ افراشته‌ها که بیشتر شامل نمونه‌های استوانه‌ای شکل بوده، به صورت ساده و مخروطی رها شده است. نکته مهم در ساختار ظاهری میل‌های تدفینی گورستان شادباد این بوده که علاوه بر اینکه کلاهک میل تدفین، شباهت بسیاری به ساختار معماری یورت‌های ساکنان ترک‌نشین آسیای میانه دارد، کلاهک مخروطی شکل در قسمت بالای میل که رک نامیده می‌شده

نیز، بر روی بدنه استوانه مقابر برجی عصر سلجوقی نیز قابل مشاهده است (نجفی، ۱۴۰۰: ۲۰۵؛ تصویر ۳).



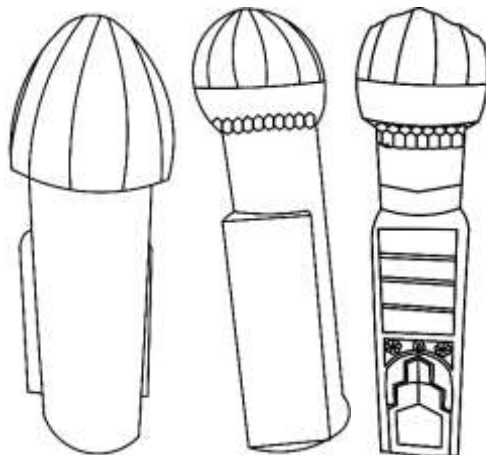
تصویر ۳: سنگ قبور نوع افراشته انسان ریخت گورستان شادباد مشایخ تبریز
(<https://www.visitiran.ir/fa/attraction>)

۳-۵. گورستان اونار مشکین شهر

این گورستان با سنگ قبور جالب توجه خود، در روستای اونار از توابع شهرستان مشکین شهر واقع شده است. در این گورستان سنگ‌قبرهایی در اشکال مختلف چون صندوقی، گهوارهای و افراشته باقی مانده است. سنگ‌قبرها از نوع سنگهای ماسه‌ای و آهنی تراشیده شده و دارای تزیینات از جمله نقوش هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و کتیبه هستند. سنگ‌قبرها عموماً متعلق

به دوره ایلخانی، تیموری و صفوی می‌باشند. در قسمت جنوبی گورستان اونار تعداد ۳ قطعه سنگ افراشته قرار دارد که در میان مردم روستا از قداست خاصی برخوردارند و بیشتر با نام «سه پیرلر» شناخته می‌شود. ارتفاع دو مورد از این سنگ قبرها ۱۶۸ سانتیمتر بوده و سنگ افراشته سوم نیز از ارتفاع ۱۲۷ سانتیمتری برخوردار است. عرض این سنگ قبرها شامل ۴۴، ۴۳ و ۳۷ سانتیمتر متغیر است. سنگ افراشته‌های گورستان اونار دارای بدنه استوانه‌ای و کلاهک شیاردار بزرگ بر روی آن هستند. این قسمت کلاهک یا عمامه‌مانند، دارای ۱۲ شیار بوده که از این نظر می‌توان نوعی اعتقاد مذهبی در تعداد شیارهای آن در نظر گرفت. در قسمت بدنه یکی از سنگ افراشته‌های اونار، کتیبه‌ای با خط ثلث با مضمون زیر حجاری شده است: «لااله الله محمد رسول الله * اتصل الی جوار رحمہ الله تعالی الخلیفہ الخلفا پیره اسماعیل بن سلطان پیره محمد فی سنہ احدی و ثمانین». بر روی سطح بدنه این سنگ قبر، تزییناتی چون گل لوتوس یا نیلوفر آبی و محراب با مقرنس‌کاری ایجاد شده است. قاب‌بندی کلی اطراف این محراب، شباهت بسیاری با قاب‌بندی رایج اطراف محراب‌های دوره ایلخانی دارد؛ همچنان که تاریخ کتیبه مزبور نیز متعلق به دوره ایلخانی می‌باشد. دو سنگ افراشته دیگر گورستان اونار فاقد کتیبه بوده و بر بدنه استوانه‌ای آنها، نگاره محراب و تزیینات مثلثی قرار دارد (ستارنژاد و حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۳۲؛ تصویر ۴).





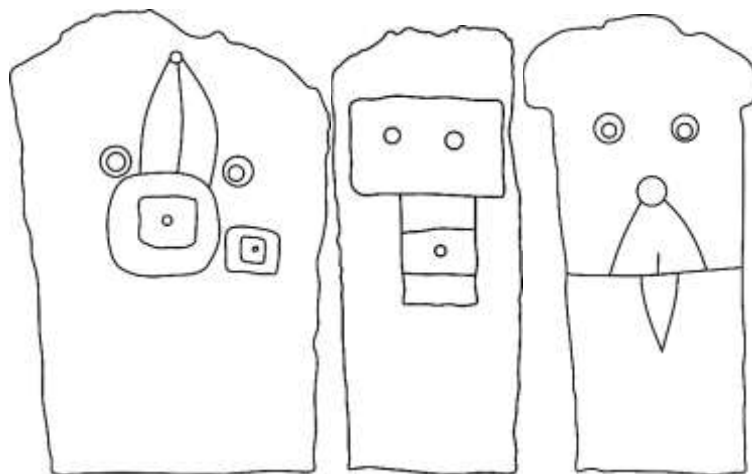
تصویر ۴: سنگ قبور افراشته گونه انسان‌ریخت در گورستان اونا (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴-۵. گورستان ساوان سردشت

روستای ساوان از توابع بخش وزینه شهرستان سردشت بوده و در دهستان گورک نعلین قرار دارد. سنگ قبور ساوان سردشت در گروه سنگ قبرهای نوع افراشته جای قرار می‌گیرد. این سنگ قبرها در نگاه اول همانند نمونه‌های پیش‌از تاریخی به نظر می‌رسند، و این مسئله، از نقوش جالب توجه و عجیب و غریب قرار گرفته بر روی آنها بیشتر قابل استنتاج است. اما آنچه که احتمال تعلق این سنگ قبرها را به دوره اسلامی اثبات می‌نماید؛ قرارگیری این سنگ افراشته‌ها در دو طرف گورها، به عنوان ویژگی مشخصی از سنت‌های تدفینی دوره اسلامی و همچنین حضور نمونه‌های مشابه آنها در گورستان‌های دوران اسلامی در کردستان عراق و در آن سوی مرزهای زاگرس می‌باشد. این سنگ قبرها دارای نقوش هندسی متنوع بوده و هیچ گونه خط و کتیبه‌ای بر روی آنها موجود نیست. بنابراین تعیین تاریخ ساخت و برپایی این آثار تنها از طریق مقایسه و نمادشناسی نقوش آنها امکان‌پذیر می‌باشد. سنگ مزارات گورستان ساوان، برخی از هر دو بر دارای تراش بوده و برخی نیز تنها جبهه اصلی آنها تراش داده شده و بخش بیرونی سنگ قبرها زمخت‌تر رها شده و در تراش آنها نهایت تلاش و دقت صورت نگرفته است. همچنین این سنگ مزارات گاهی در هر دو جبهه و در برخی نیز تنها در جبهه اصلی دارای نقش و نگار هستند. ارتفاع سنگ قبور ساوان متفاوت بوده و بین ۱ تا ۲/۲ متر متغیر است. آنچه که سنگ قبور گورستان ساوان را به نسبت دیگر گورستان‌ها متمایز نموده، نقوش عجیب کنده شده بر بدنه آنها می‌باشد. از جمله نقوش مشترک بیشتر این سنگ قبرها، قرارگیری دو سوراخ در دو طرف سنگ قبر به مانند موقعیت دو چشم در چهره آدمی می‌باشد. این نقش کنده شده در تعدادی از سنگ مزارات از عمق کمی برخوردار بوده و

در برخی نیز کاملاً درون سنگ سوراخ ایجاد کرده و از دو طرف نمایان است. بنابراین در این حالت، سوراخ‌های ایجاد شده، از هر دو طرف سنگ قبر به صورت نمادهایی از چشم به نظر می‌رسند. گاهی این نگاره درون قاب‌هایی کنده شده جای گرفته و چهره آدمی را در این حالت بیشتر در ذهن تجسم می‌نمایند. برخی از سنگ قبرها دارای سه سوراخ نیز هستند، طوری که اگر سنگ قبر را به صورت انسانی تشبیه کنیم، سوراخ سوم دقیقاً در محل دهان قرار می‌گیرد. شماری از این سنگ قبرها در دو طرف بخش فوقانی خود، دو زائده به صورت دو برجستگی شانه مانند دارند که شاید به فرم بدن انسانی تاکید دارد. حتی در برخی برجستگی دیگری نیز در میان این دو شانه ایجاد شده که می‌تواند نشانه‌ای بر حضور گردن باشد. چه بسا این گروه از سنگ قبرها مشابه نمونه‌های عصر صفوی در منطقه تماماً به صورت هیاکل آدمی و دارای گوی فوقانی نیز بوده که به مرور زمان برجستگی کروی بالای آنها شکسته شده و برجای نمانده است. در اقلیم کردستان در عراق نیز در برخی از گورستان‌ها از جمله گورستان‌های قلاذزی، سنگ قبوری با سوراخ‌های دو طرفه و همچنین نمونه سنگ قبور نوع پیکره‌ای که دارای کلاهک و شانه هستند؛ قرار دارد. محققین این سنگ قبرها را متعلق به دوره عثمانیان، یعنی همزمان با حکومت صفویان در ایران می‌دانند. بنابراین و با توجه به موارد مذکور، شاید بتوان سنگ قبرهای موجود در گورستان ساوان را نیز به این دوره، یعنی عصر صفوی نسبت داد (معروفی‌ا قدم، ۱۴۰۱: ۱۶۷ - ۱۷۳؛ تصویر ۵).



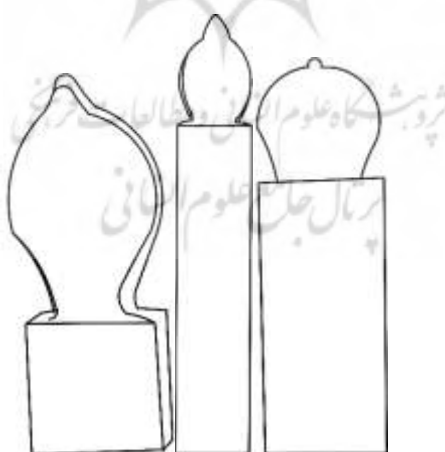


تصویر ۵: سنگ قبور افراشته انسان ریخت، گورستان ساوان سردشت (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵-۵. گورستان تمتان و بردوک ارومیه

تمتان از روستاهای شهرستان ارومیه و جزو توابع بخش نازلوی این شهرستان است. در میانه این روستا، گورستانی کهن با سنگ قبرهای متنوعی قرار دارد که ارتفاع برخی از آنها به بیش از دو متر نیز می‌رسد. سنگ مزارات گورستان تمتان در سه گروه فرمی: افراشته پیکره‌ای یا انسان ریخت، صندوقی و محرابی جای می‌گیرند. در گورستان تمتان، نوع سنگ قبور افراشته و صندوقی به هر دو صورت: منفرد و جدا از یکدیگر و یا به صورت ترکیبی و بر روی یک گور مورد استفاده قرار گرفته‌اند. سنگ قبرهای نوع افراشته انسان ریخت تمتان تماماً ساده و بدون نقش و نگارند. این سنگ قبرها در هر دو جبهه خود دارای تراش بوده و از سطوح صاف و یکدستی برخوردار می‌باشند. ارتفاع این سنگ قبرها بین ۱/۲ تا ۲/۵ متر متغیر و عرض آنها نیز بین ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. بخش اصلی سنگ قبرهای افراشته انسان ریخت به صورت مکعب مستطیلی تراش داده شده و بر روی آن، با دادن دو شانه از دو طرف، سطحی مشابه یک گوی یا کلاهکی بیضی شکل با شنگه‌ای نوک تیز بر روی آن ایجاد نموده‌اند. این دسته از سنگ قبرهای تمتان همانند هیاکل آدمی خودنمایی می‌کند و گویی بدن یک انسان بوده که بر سر خود تاج یا کلاهکی نوک‌تیز قرار داده است. حتی طرح این گروه از سنگ قبرها را می‌توان با هیاکل مردان عصر صفوی که بر سر خود کلاهی به همراه یک پر که از آن بالا آمده؛ نیز مقایسه نمود. به طور کلی این آثار بنظر می‌رسد که به دلیل جنگ‌های متوالی میان ایران و عثمانی در طی دوره صفویه و اغتشاشات محلی آن دوران؛ متعلق به اسراء و قربانیان ناآرامی‌های آن دوران باشد. نمونه‌های کاملاً مشابه سنگ قبرهای موجود، در گورستان بردوک ارومیه نیز موجود بوده که امروزه اثری از آنها برجای نمانده است. این سنگ قبرها نیز متعلق به دوران صفوی تاریخ‌گذاری شده‌اند (خانمحمدی، ۱۳۸۹: ۸۳). سنگ قبرهای

موجود در گورستان بردوک ارومیه به دو گروه محرابی شکل و افراشته انسان‌ریخت تقسیم می‌شوند. امروزه هیچ کدام از سنگ‌قبرهای افراشته گورستان بردوک باقی نمانده و همگی به سرقت رفته‌اند. با توجه به تصاویر موجود از این سنگ‌قبور در گزارشات محققین و نویسندگانی همچون کلایس، این آثار مشابه نمونه‌های موجود در گورستان تهمنان هستند. این سنگ‌قبرها از ارتفاع‌های متفاوتی برخوردار هستند؛ به طوری که برخی تا ۲ متر ارتفاع دارند و برخی نیز در حدود ۵۰ سانتیمتر هستند. بر روی این سنگ‌قبرها معمولاً هیچ گونه خط و کتیبه و نقش و نگاری قرار نگرفته و ساده‌رها شده‌اند (تصاویر ۶ و ۷).



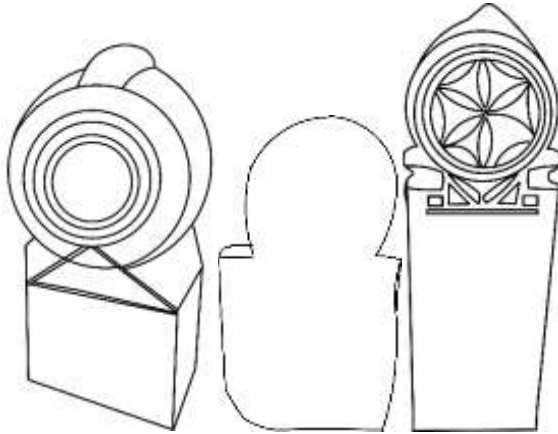
تصویر ۶: سنگ‌قبور نوع افراشته انسان‌ریخت، گورستان تهمنان ارومیه (نگارندگان، ۱۴۰۳)

تصویر ۷: سنگ‌قبور روستای بردوک (kleiss, 1969: 21)

۵-۶. گورستان خرابه‌سنجی و خانقاه سرخ ارومیه

روستای خرابه‌سنجی از توابع بخش نازلوی ارومیه و در دهستان نازلوچای قرار گرفته است. بخش بیشتر سنگ‌قبور موجود در این گورستان، متعلق به دورا قاجار می‌باشد. سنگ‌قبرهای افراشته گورستان خرابه‌سنجی محدود و شامل چند مورد سنگ‌قبر می‌باشد. این سنگ‌قبرها به صورت به صورت بدنه مستطیلی با کلاهکی دایره‌ای شکل بر روی آن تراش خورده که آنها را می‌توان در گروه سنگ‌قبرهای افراشته کلاهک‌دار جانمایی کرد. ارتفاع این گروه از سنگ‌قبرها زیاد نبوده و در بیشترین حد خود به ۱۳۰ سانتیمتر می‌رسند. نکته قابل ذکر در ارتباط با سنگ‌قبرهای کلاهک‌دار، شکل نمادین آنها به صورت بدن انسانی می‌باشد. بدین صورت که بدنه سنگ‌قبر را می‌توان هم‌چون اندام آدمی و کلاهک فوقانی آن را نیز می‌توان به مثابه سر و گردن انسانی در نظر گرفت. نمونه این سنگ‌قبرها هم در ایران و هم در کشورهای همجوار از جمله در کردستان عراق به وفور یافت می‌گردد. روستای خانقاه سرخ نیز در فاصله پنج کیلومتری ارومیه و در دهستان نازلوی شمالی قرار گرفته است. سنگ‌قبور افراشته خانقاه سرخ از منظر فرمی، کاملاً مشابه نمونه‌های افراشته موجود در گورستان خرابه‌سنجی است. فرم کلی این گروه از سنگ‌قبرها شامل بدنه‌ای چهارگوش با کلاهک یا گنبدی مخروطی بر روی آنها می‌باشد. سنگ‌قبرهای موجود تماماً از جنس سنگ‌های سفید آهکی هستند. بر قسمت بدنه این سنگ‌قبرها گاهی کتیبه‌های ساده‌ای نیز نگاشته شده است. از آن جمله بر روی یک نمونه سنگ‌قبر از این گورستان کتیبه: «هذا مرقد کلبعلی ولد رستم ساکن در ...» به صورت برجسته کاری و کنده‌نگاری روی سنگ‌قبر حک شده است. با توجه به کتیبه‌ها و حضور دیگر سنگ‌قبرها، این آثار متعلق به عصر قاجار می‌باشند. فرم ظاهری و جالب توجه این سنگ‌قبرها، نمونه سنگ‌قبرهای نوع افراشته دوره صفوی را در ذهن متبادر می‌سازد و گویی که این سنگ‌قبور و نمونه‌های مشابه آن در گورستان خرابه‌سنجی ارومیه، از نمونه‌های دوره صفوی در قلعه بردوک و متمان‌الگو برداری شده‌اند (تصویر ۸ و ۹).



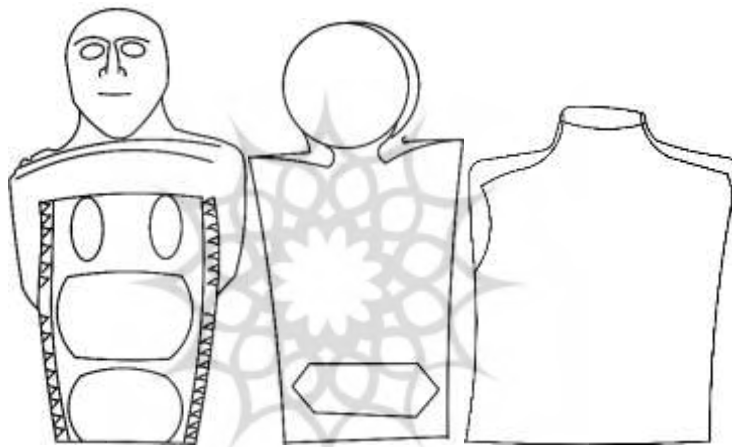


تصویر ۸: سنگ قبور گورستان خرابه سنجی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

تصویر ۹: سنگ قبر افراشته گورستان خانقاه سرخ (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵-۷. گورستان شهسوار و چلکی ایزه

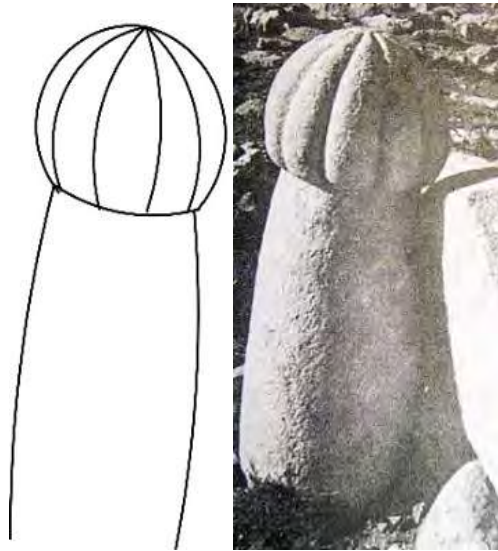
گورستان اسلامی شهسوار در هفت کیلومتری شهر ایزه و در نزدیکی روستای کهباد قرار دارد. این گورستان سنگ‌مزارهای متنوعی را در خود جای داده است که قدمتشان به دوران متأخر اسلامی (سده ده تا عصر حاضر) می‌رسد. بررسی‌های انجام شده در ۶۳۲ سنگ مزار موجود در این گورستان حکایت از آن دارد که ایل بختیاری برای پوشش قبور مردگان خود از پنج گونه سنگ مزار: سنگ مزار ساده، سنگ مزار محرابی شکل، سنگ مزار انسان‌ریخت، سنگ مزار مطابق کنگره‌دار (بالین‌دار) و شیرهای سنگی استفاده می‌کردند که هر یک از آنها بار معنایی خاص خود را داشته و متناسب با شأن، شغل، جایگاه و منزلت اجتماعی شخص متوفی انتخاب می‌شده‌اند (موسوی حاجی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۸ - ۱۸۰). نمونه سنگ قبور نوع افراشته انسان‌ریخت در گورستان شهسوار برخی دارای برجستگی گردن‌دار در قسمت فوقانی و برخی نیز همانند نمونه‌های عصر قجاری خرابه‌سنجی و خانقاه سرخ ارومیه، دارای گوی یا کلاهک مدور هستند. گوی فوقانی و شانه‌های تیز این گروه از سنگ قبرها، لباس عشایر بختیاری را در ذهن متبادر می‌سازد. این آثار متعلق به دوره قاجار هستند. علاوه بر گورستان شهسوار، در گورستان چلکی ایزه نمونه سنگ قبری تماماً انسان‌ریخت به دست آمده که امروزه به درون موزه انتقال داده شده است. این سنگ قبر پیکره زنی با موهای بلند و بافته شده و سینه‌هایی نمایان و برجسته را نشان می‌دهد که بر خلاف نمونه‌های ادوار پیش، جزئیات سر و صورت و اندام آن کاملاً هویدا و مشخص است (تصویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۰: سنگ قبور افراشته گورستان شهسوار ایذه (نگارندگان، ۱۴۰۳)
تصویر ۱۱: سنگ قبر افراشته انسان ریخت گورستان چلکی ایذه (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵-۸. سنگ قبر گورستان الیگودرز لرستان

از گورستان الیگودرز لرستان نیز سنگ قبری افراشته از نوع افراشته انسان ریخت به دست آمده که برخی از محققین در کتب و نوشته‌های خود بدان اشاره داشته‌اند (غضنفری، ۱۳۹۲: ۵۵). این سنگ قبر کاملاً مشابه نمونه‌های به دست آمده از گورستان اونار مشکین شهر می‌باشد. بدنه سنگ قبر مذکور به صورت استوانه‌ای تراش داده شده و در قسمت فوقانی خود، دارای عمامه یا کلاهکی می‌باشد. در این نمونه بدنه استوانه‌ای سنگ قبر ساده رها شده و کلاهک مخروطی آن دارای ۱۰ یا ۱۲ شیار زیبا است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: سنگ قبر افراشته انسان‌ریخت و طرح آن، گورستان الیگودرز (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۶. بحث و تحلیل

در دوران اسلامی و فرهنگ مسلمان‌ها، سنگ قبرهای نوع انسان‌ریخت، عموماً به صورت یک مجسمه انسانی با جزئیات گردن و فرم سر، نسبت به دست و پاها تراشیده شده‌اند (Baykara, 1993: 128). آنچه درباره این نقش برجسته‌ها می‌توان گفت تقابل باورهای اسلام مبتنی بر نفی پیکره‌سازی از یک سو و قراردادن پیکره انسانی روی گور از طرف دیگر بوده است. بنابراین تقابل اسلام و شمنی را به وضوح در این آثار می‌توان مشاهده کرد که در دوره اسلامی با تغییرات جزئی ادامه پیدا کرده است (Berkli, 2012: 28). در دوره اسلامی نیز نمونه‌هایی از این پیکره‌ها در قبرستان نیار استان اردبیل، مرادتپه (افقهی، ۱۳۸۷: ۹۴) و اونار مشکین‌شهر، خالدنبی گرگان، پینه‌شلوار تبریز و متمان و بردوک ارومیه، ساوان سردشت، گورستان الیگودرز، ایذه شهسوار باقی مانده است. سنگ قبرهای افراشته گورستان اونار مشکین‌شهر از نظر شکل ظاهری با نمونه‌های سنگ قبرهای ترکیه قابل مقایسه بوده (Arsalan, 2017: 1931) که کلایس نیز ضمن بازدید از این سنگ مزارات، به چنین شباهتی بین آن‌ها اشاره کرده‌است (Kleiss, 1969: 84).

در ارتباط با این فرم می‌توان اظهار نظر کرد که مردمان آسیای میانه در قبل از اسلام روی مزار مرده‌های خود پیکره انسانی قرار می‌داده‌اند و این سنت در دوران اسلامی با تغییرات جزئی دنبال شده‌است. در واقع ریشه قرار دادن پیکره و به‌طور کلی سنگ‌های افراشته منقوش روی گورها با باورهای شمنی در ارتباط بوده است. در دوران پیش از تاریخ، شمن‌ها بر روی سنگ‌های افراشته تصاویری حک می‌کرده‌اند. نمونه‌های باقی‌مانده از سنگ‌افراشته روی برخی از گورهای دوران پیش

از تاریخ مناطقی از شمال غرب ایران، ترکیه، قفقاز، شرق دور و سایر مناطق یادآور چنین اعتقاداتی است. به این ترتیب می‌توان اظهار کرد که شباهت‌های میان این سنگ‌افراشته‌ها نشانگر تعلق آنها به یک جامعه واحد با اعتقادات نزدیک به هم است و این جامعه خود نیز بخشی از فرهنگ گسترده‌ای است که بقایای فرهنگ مادی آن را در مراکز دیگری چون آسیای میانه، جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌توان دید. از طرف دیگر تفاوت‌های میان آنها ناشی از تفاوت در مذهب (قوانین دین اسلام مبتنی بر نفی تصویرسازی) و موقعیت اجتماعی ساکنان و دفن شدگان در آن‌هاست. به طور کلی با ورود اقوام ترک زبان از آسیای میانه به این منطقه پس از پذیرش دین اسلام، بخشی از فرهنگ ساختار معماری گورهای این اقوام نیز متأثر از آموزه‌های دین اسلام شد.

بر همین اساس کلیات سنگ‌افراشته که یادآور پیکره انسانی باشد را در ماهیت خود حفظ کرده است؛ با این حال در جزئیات چهره و اندام تغییرات ایجاد و این قسمت‌ها به طور کامل حذف شده‌اند (ستارنژاد و حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۳۵). تندیس‌های انسان‌نما بیانگر تصویری از شخص متوفی بوده که در بین اقوام ترک زبان با نام‌هایی همچون «داش بابا» و «داش ننه» شناخته شده‌است (Arsalan, 1926: 2017). به نظر می‌رسد تندیس انسانی به دلیل نفی اسلام در زمینه صورتگری به‌ندرت تراشیده می‌شد؛ با این حال به صورت یک آرکی‌تایپ تا دوران اسلامی ادامه پیدا کرده‌است (Demiral, 2008: 4).

در دوران اسلامی این سنت بیشتر متعلق به قرون میانی و متأخر بوده است. جدای از موارد متعلق به ادوار مذکور، در عصر قاجار و به پیروی از ادوار کهن‌تر نیز نمونه‌هایی از سنگ‌قبور در قالب پیکره انسانی تراشیده و بر روی گور مردان و زنان این دوره قرار داده شده است. از آن جمله در گورستان چلکی ایذه، سنگ‌قبری با پیکره زنی با موهای بلند و بافته شده و سینه‌هایی نمایان و برجسته موجود بوده که بر خلاف نمونه‌های ادوار پیش، جزئیات سر و صورت و اندام آن کاملاً هویدا و مشخص است.

همچنین نمونه‌هایی از سنگ‌گور مردان به صورت انتزاعی و تنها با گوی برجسته فوقانی نیز در گورستان شاهسوار ایذه موجود است که کاملاً مشابه نمونه‌های عصر قاجاری در روستاهای اطراف ارومیه می‌باشد. هر چند که برخی از محققین این گروه از سنگ‌قبرها و فرم کلی آنها را در ارتباط با نمادهای نرینگی معرفی نموده‌اند (خانمحمدی، ۱۳۸۹: ۸۳)؛ اما باید عنوان کرد که هر کدام از این اشکال را از ابعاد دیگری نیز می‌توان معنا داد و ارتباط آنها با نماد نرینگی با توجه به این که متعلق به دوران اسلامی بوده؛ غیر ممکن است. همانطور که از نام این سنگ‌قبور پیداست؛ نزدیکی فرم کلی این سنگ‌قبور به هیکل آدمی، موجب نام‌گذاری آن بدین عنوان شده است.

جدول ۱. نمونه‌ای از سنگ‌افراشته‌ها در مناطق مختلف آسیا (نگارندگان، ۱۳۹۹).

منبع تصاویر	آیین	آرایه	محل قرارگیری	تصویر	منطقه
Hudjakov et al. 2015.P. 112	شمی	چهره‌پردازی، اندام حرکتی، بدون نوشتار	کنار گور		قرقیزستان
Peler. 2017.P. 189	مسیحیت	از دو قسمت سر (کلاهک) و بدن تشکیل شده است.	کنار گور		قبرس
Kurtişoğlu. 2018.P. 50	اسلام	کلاهک به شکل عماله، آیات قرآنی، خطوط عربی، بدون	کنار گور		ترکیه
نگارندگان، ۱۴۰۳	اسلام	کلاهک به شکل عماله با ۱۲ ترک، آیات قرآنی، خطوط عربی،	کنار گور		اونار مشکین شهر



سنگ قبور انسان ریخت را می‌توان بیانگر تصویری از شخص متوفی دانست. در واقع بازماندگان با پیکره‌سازی شخص متوفی یاد و خاطره وی را در اذهان نگه می‌داشته و آن را همچون روحی زنده می‌پنداشتند. با توجه به شریعت اسلام، جزئیات صورت و بدن در این سنگ قبرها کامل نیامده؛ اما فرم کلی سنگ قبر را می‌توان نمادی از هیکل شخص متوفی دانست. این دسته از سنگ قبور را می‌توان ریشه در فرهنگ بومی ترکان دانست. در پیش از اسلام و در اعتقادات شمنی و اقوام آسیای میانه، میان روح و سنگ ارتباطی نزدیک وجود دارد؛ بنابراین برای سنگ‌ها اولوهیت مرموز و اسطوره‌ای قائل بودند. سنت سنگ قبور پیکره‌وار از قدیم‌الایام در میان مردمان سای میانه وجود داشته و این پیکره‌ها به منظور یاد و خاطره قهرمانان و جنگجویان کشته شده روی گور قرار داده شده است. ابن فضلان مورخ سده ۹ میلادی رسم قرار دادن مجسمه روی گورها را میان ترک‌های اوغوز چنین نقل کرده است:

«... هرگاه در زمان حیاتش کسی را کشته و شخص شجاعی بوده، به تعداد کسانی که به دست او کشته شده‌اند پیکره‌های انسانی از چوپ تراشیده در قبرش می‌گذارند و می‌گویند اینها غلامان او هستند و در بهشت به او خدمت می‌کنند» (ابن فضلان، ۱۳۴۵: ۷۵).

در دوران اسلامی با ورود ترکان آسیای میانه به ایران، این سنت نیز وارد این مرز و بوم گشت و همین باورها و اعتقادات با تغییرات و با توجه به شریعت دین مبین اسلام ادامه پیدا کرد. از آن جمله نوع تراش سنگ قبور و عناصر تزئینی آن ریشه در همین اعتقادات سازندگان آن‌ها دارد. برای مثال در گورستان اونار عناصری چون دوازده شیار روی قسمت فوقانی و عبارت «خليفة الخلفا» و گل لوتوس به شکل عامدانه روی این سنگ‌قبرها حجاری شده است. در قسمت فوقانی این سنگ‌افراشته‌ها دوازده شیار ایجاد شده است. این دوازده شیار در حقیقت یادآور کلاه دوازده ترک قیزیل باش‌هاست. در تاریخ ایران قیزیل باش‌ها به دلیل اعتقادات خود ۱۲ امام (مذهب شیعه) کلاه دوازده ترک یا تاج حیدری بر سر می‌گذاشتند (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۹). قزلباشی نقش و کارکرد سیاسی، دینی و اجتماعی داشت و به نوعی نشانه و نماد تشیع در مقابل تسنن بوده است (سیدبنکدار، ۱۳۹۵: ۲۰۳ - ۲۰۲؛ ستارنژاد و حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۳۷).

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش به مطالعه گورستان‌های ایران که در میان سنگ‌قبر آنها، فرم یا تیبیک انسان‌ریخت نیز یافت می‌گردد، پرداخته است. این گونه سنگ‌قبر از نظر شکل ظاهری مشابه هیاکل آدمی و یا حداقل بخشی از جزئیات آن، از جمله دست و صورت، شانه و پا می‌باشد و همین موجب نام‌گذاری آن در یک گروه جداگانه تحت عنوان سنگ‌قبر نوع انسان‌ریخت شده است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که سنگ‌قبر گونه انسان‌ریخت، در دسته سنگ‌مزارات افراشته جای می‌گیرد و به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه سنگ‌قبرها، در طی قرون میانی و متأخر اسلامی به وفور مورد استفاده قرار گرفته است.

سنگ‌مزارات گونه انسان‌ریخت خود به دو گروه انسان‌ریخت نمادین و انسان‌ریخت کامل تقسیم می‌گردد که نمونه انسان‌ریخت کامل به صورت محدود و در گورستان‌های عصر قاجار دیده می‌شود. بخش بیشتر سنگ‌قبر گونه انسان‌ریخت متعلق به قرون میانی، معمولاً ساده رها شده و روی آن‌ها خط و کتیبه و نقش و نگاری موجود نیست. نمونه‌های قابل استثناء سنگ‌قبر اوناار مشکین‌شهر و چند سنگ‌قبر متعلق به گورستان شادباش مشایخ می‌باشد. بر اساس کتیبه‌های موجود، این آثار متعلق به عصر ایلخانی و قرون ۷ و ۸ هجری قمری می‌باشند.

سنگ‌مزارات گونه انسان‌ریخت در عصر قاجار معمولاً دارای کتیبه‌های ساده حاوی نام و القاب شخص متوفی و تاریخ وفات وی هستند. بر روی این نمونه‌ها علاوه بر کتیبه، نقوشی همچون خنجر، بز کوهی و نقوش هندسی جای خوش کرده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته در پیش از اسلام، سنت پیکره‌سازی و نصب آن روی گور مردگان در سایر نقاط و خصوصاً در ایران، آسیای صغیر و آسیای میانه و سایر مناطق متداول بوده است. این سنت در دوران اسلامی با توجه به شریعت اسلام، با تغییراتی در فرم کلی پیکره دنبال شده است.

در دوران اسلامی این شیوه سنگ‌قبر در ایران از جمله در شمال غرب ایران و در ترکیه، در قرون میانی و متأخر اسلامی، خصوصاً در طی ادوار ایلخانی، صفوی و قاجار مورد استفاده قرار گرفته است. به طور کلی در ایران نمونه‌های سنگ‌قبر نوع انسان‌ریخت بیشتر از حوزه‌های جغرافیایی شمال غرب و شمال شرق شناسایی شده است. علاوه بر این در ادوار متأخرتر، از جمله عصر قاجار نیز، نمونه‌هایی از این دست از سنگ‌مزارات در غرب و جنوب غرب ایران، از جمله در منطقه ایزده شناسایی شده است.

منابع

- افندی‌اف، راسیم، ۱۳۹۲، سنگ‌ها سخن می‌گویند، ترجمه محمدعلی آرشف، تبریز: نشر دنیاز
خاماجی، بهروز، ۱۳۸۹، شهر من تبریز، چاپ سوم، تبریز: انتشارات ندای سبز
خانمحمدی، بهروز، ۱۳۸۹، نگاهی به مجموعه باستانی قلعه اسماعیل آقا، باستان‌پژوهی، دوره جدید،
شماره ۴، ۷۷ - ۸۴.
- خانعلی، حمید، ۱۴۰۳، تحلیلی بر چیستی فرهنگ سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت در شمالغرب ایران و
مناطق همجوار، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۲۷، سال ۸، صص ۳۷-۵۷.
- زاهد، سمیه، ۱۳۹۴، مطالعه تطبیقی نقوش حجاری شده بر سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه و خالدنبی،
به راهنمایی پریسا شادقزوینی، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده هنر
ستارنژاد، سعید، حسین‌پور، طیبه، ۱۴۰۰، تحلیلی بر سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی گورستان اونار
مشگین‌شهر، مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، شماره ۳، ۲۷ - ۴۳
- سیدبنکدار، سید مسعود، ۱۳۹۵، بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفوی،
فصلنامه شیعه‌شناسی، سال ۱۴، شماره ۵۶، ۱۹۵ - ۲۱۸
- شاملو، ولی‌قلی‌بن‌داوود قلی، ۱۳۷۱، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات ناصر، تهران:
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام.
- غضنفری، زهره، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی نقش‌مایه‌های تصویری سنگ‌قبرهای سده اخیر و مفرغ‌های
لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران، منتشر نشده.
- کارگر، محمدرضا، ۱۳۷۲، مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال غرب ایران، پایان‌نامه کارشناسی
ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما جابر انصاری، دانشگاه تربیت مدرس.
- معروفی‌اقدام، اسماعیل، ۱۴۰۱، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سنگ قبرهای دوره اسلامی استان آذربایجان
غربی، پروژه طرح نخبگان سربازی، به راهنمایی دکتر علی صدراپی، پژوهشگاه میراث فرهنگی
معطوفی، اسداله، ۱۳۸۷، سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد، چاپ اول، تهران: انتشارات
حروفیه
- موسوی حاجی، رسول، فیضی، حسین، هاشمی، حسن، ۱۴۰۲، شیرسنگی کنگره‌دار؛ گونه‌ای از سنگ
مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه، مجله نگارینه؛ دوره دهم، شماره بیست و ششم، ۱۷۶ -
۱۸۵
- نجفی، فرزانه، ۱۴۰۰، مطالعه تطبیقی ساختار و نشانه‌های تصویری سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد
مشایخ و خالدنبی، نگره، شماره ۶۵، ۱۹۵ - ۲۱۳

Arsalan, Aslı SAĞIROĞLU, 2017, "TAŞLAR KONUŞUR": TÜRK MEZAR TAŞLARININ BİÇİM DİLİ, *Türk Mezar Taşlarının Biçim Dili. Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim Dergisi*, 6(3), 1923-1937.

Baykara, T., 1993, *Asya Türk Kültürünün Bir Unsuru Olarak Mezar Taşı. Vakıflar Haftası*, s, 127-131.

- Berkli, Y., 2012. *Azerbaycan-Bakü 'de Bulunan İnsan Heykel Biçimli Mezar Taşları ve Orta Asya-Azerbaycan-Anadolu İlişkisi. Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Velî Araştırma Dergisi*, 61.
- Catullus, G.V. Grant, A., 1892, *the Attis of Caius Valerius Catullus*", D. Nutt, Harvard University.
- Demirel, F., 2008. *Besni mezar taşları*, Doctoral dissertation, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- El Gemaiey, Gh., 2019, *Khalid Nabi's Shrine and Cemetery*, *Quest Journals Journal of Research in Humanities and Social Science Volume 7 ~ Issue 5*, 54-61
- Kleiss, W. (1969), *Berich Uber zwei Erkundungsfahrten in Nordwest – Iran*, *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, 1-54
- Kurtişoğlu, G. A. (2018). *SADELİKTEN GÖSTERİŞE EDİRNE OSMANLI DÖNEMİ MEZAR TAŞLARI*. *Trakya Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Dergisi*, 8(16), 32-56.
- Rosmawati, 2018. *Typology and efflorescence of early Islamic tomb and gravestone forms in South Sulawesi and Majene, West Sulawesi*, *jstor*, 327 - 344
- Stronach, david., & William R. Royce (1981), *Standing Stones in the Atrak Region: The.alatNabi Cemetery, Iran*, *British Institute of Persian Studies*, Vol. 19: 147-150.



Research Article

A Study on the Nature and Rationale of Anthropomorphic Gravestones of the Islamic Period within the Political Geography of Iran

Esmail Maroufi Aghdam¹ and Saeed Sattarnejhad²

Date of received: 2025/04/09

Date of Accept: 2025/05/10

Abstract

Gravestones, as one of the most significant cultural legacies of the Islamic period, exhibit considerable diversity in both form and decorative motifs. Beyond accurately expressing ritual and religious beliefs, these valuable remains can reflect the full spectrum of the cultural, social, economic, and even political conditions of the societies to which they belonged. In this regard, they may be regarded as among the most important archaeological data for various fields of study. Among the diverse forms of Islamic gravestones, anthropomorphic tombstones attract particular attention due to their distinctive appearance. The present article examines anthropomorphic gravestones in Islamic cemeteries of Iran. The aim of this study is the typological and etymological classification of this group of gravestones, as well as an analysis of their forms in selected Islamic cemeteries across Iran. The research adopts an analytical–historical approach based on the authors' field surveys of cemeteries and library-based studies. The findings indicate that, in terms of outward form, these gravestones can be divided into two groups: simplified anthropomorphic types lacking detailed features, and fully anthropomorphic types. Decorative motifs and inscriptions are rarely used on these monuments. From an etymological perspective, they are associated with the ethnic groups of Central Asia that entered the geographical domain of present-day Iran during the Islamic period, particularly in the middle centuries,

¹. PhD Graduate in Archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran; Department of Education, Bukan County. Email: Esmael.maroufi@gmail.com

². PhD Graduate in Archaeology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran; Department of Education, Maragheh County (Corresponding Author). Email: Saeidsattarnejad@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

and they represent a manifestation of the interaction between shamanistic and Islamic beliefs within the region.

Keywords: Iranian gravestones, Islamic period, cemetery, anthropomorphic gravestones.

Citation (APA 7th ed. / APSA)

Maroufi Aghdam, Esmail; Sattarnezhad, Saeed (Fall 2025). "A Study on the Nature and Rationale of Anthropomorphic Gravestones of the Islamic Period within the Political Geography of Iran". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 8, Num. 3, S.No. 31, pp. 19- 46.

Resources

- Afandiyev, Rasim (2013). *Stones Speak*, trans. Mohammad Ali Arashfar. Tabriz: Deniz Publications. (in Persian)
- Arsalan, Aslı SAĞIROĞLU, 2017, "TAŞLAR KONUŞUR": TÜRK MEZAR TAŞLARININ BİÇİM DİLİ, *Türk Mezar Taşlarının Biçim Dili*. Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim Dergisi, 6(3), 1923-1937.
- Baykara, T., 1993, *Asya Türk Kültürünün Bir Unsuru Olarak Mezar Taşı*. Vakıflar Haftası, s, 127-131.
- Berkli, Y., 2012. *Azerbaycan-Bakü'de Bulunan İnsan Heykel Biçimli Mezar Taşları ve Orta Asya-Azerbaycan-Anadolu İlişkisi*. *Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Velî Araştırma Dergisi*, 61.
- Catullus, G.V. Grant, A., 1892, *the Attis of Caius Valerius Catullus*", D. Nutt, Harvard University.
- Demirel, F., 2008. *Besni mezar taşları*, Doctoral dissertation, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- El Gemaiey, Gh., 2019, *Khalid Nabi's Shrine and Cemetery*, *Quest Journals Journal of Research in Humanities and Social Science Volume 7 ~ Issue 5*, 54-61
- Ghazanfari, Zahra (2013). *A Comparative Study of the Pictorial Motifs of Recent Gravestones and Luristan Bronzes*. MA Thesis in Art Research, Payame Noor University, Tehran Center (unpublished) . (in Persian)

- Kargar, Mohammad Reza (1993). *Islamic Tombs and Their Cultural Context in Northwestern Iran. MA Thesis in Archaeology, supervised by Jaber Ansari. Tarbiat Modares University. (in Persian)*
- Khamachi, Behrouz (2010). *My City, Tabriz, 3rd ed. Tabriz: Neday-e Sabz Publications. (in Persian)*
- Khanali, Hamid (2024). "An Analysis of the Nature of Anthropomorphic Stone Stelae Culture in Northwestern Iran and Adjacent Regions." *Parseh Archaeological Studies*, vol. 8, no. 27, pp. 37–57. (in Persian)
- Khanmohammadi, Behrouz (2010). "A Study of the Archaeological Complex of Qal'eh Esmā'il Aqa." *Bastan-Pazhuhi (New Series)*, no. 4, pp. 77–84. (in Persian)
- Kleiss, W. (1969), *Berich Uber zwei Erkundungsfahrten in Nordwest – Iran, Archaeologische Mitteilungen Aus Iran, 1-54*
- Kurtişoğlu, G. A. (2018). SADELİKTEN GÖSTERİŞE EDİRNE OSMANLI DÖNEMİ MEZAR TAŞLARI. *Trakya Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Dergisi*, 8(16), 32-56.
- Ma'tufi, Asadollah (2008). *Gravestones and Historical Inscriptions of Gorgan and Astarabad, 1st ed. Tehran: Huroofiyeh Publications.*
- Maroufi-Aghdam, Esmail (2022). *Typology and Classification of Islamic-Period Gravestones of West Azerbaijan Province. Elite Military Service Research Project, supervised by Dr. Ali Sadraei. Research Institute of Cultural Heritage. (in Persian)*
- Mousavi Haji, Rasoul; Feyzi, Hossein; and Hashemi, Hassan (2023). "The Battlemented Stone Lion: A Type of Gravestone in the Islamic Cemetery of Shahsavār, Izeh." *Negarineh*, vol. 10, no. 26, pp. 176–185. (in Persian)
- Najafi, Farzaneh (2021). "A Comparative Study of the Structure and Visual Signs of Stone Stelae in Shadabad Mashaikh and Khaled Nabi Cemeteries." *Negareh*, no. 65, pp. 195–213. (in Persian)
- Rosmawati, 2018. *Typology and efflorescence of early Islamic tomb and gravestone forms in South Sulawesi and Majene, West Sulawesi, jstor*, 327 - 344
- Sattarnezhad, Saeed, and Tayebeh Hosseinpour (2021). "An Analysis of Islamic-Period Stone Stelae of the Onar Cemetery, Meshgin Shahr." *Studies in Islamic Archaeology*, no. 3, pp. 27–43. (in Persian)
- Seydebakdar, Seyed Masoud (2016). "The Position and Function of the Qizilbash Crown in the Political Developments of the Safavid Period." *Shi'a Studies Quarterly*, vol. 14, no. 56, pp. 195–218. (in Persian)
- Shamlu, Vali Qoli ibn Davud Qoli (1992). *Qasas al-Khaqani, ed. and annotated by Seyed Hasan Sadat Naser. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)*

Stronach, david., & William R. Royce (1981), Standing Stones in the Atrak Region: The.alatNabi Cemetery, Iran, British Institute of Persian Studies, Vol. 19: 147-150.

Zahed, Somayeh (2015). A Comparative Study of Carved Motifs on Gravestones of Sefidchah and Khaled Nabi Cemeteries. MA Thesis, supervised by Parisa Shadqazvini. Alzahra University, Faculty of Art. (in Persian)



